

ضرورت همبستگی و انسجام مذاهب اسلامی



تحولات اخیر در منطقه غرب آسیا، به ویژه در سوریه و لبنان، نشان دهنده پیچیدگی‌های عمیقی است که نه تنها در سطح سیاسی و امنیتی بلکه در بُعد مذهبی و فرهنگی نیز تأثیرات زیادی بر جای گذاشته است. حملات اخیر گروه‌های تکفیری به حلب و وضعیت شکننده آتش‌بس در لبنان، بخشی از تنش‌های گسترده‌تری است که در شرایط فعلی تحت‌الشعاع تلاش‌های بین‌المللی برای دستیابی به آتش‌بس میان اسرائیل و حزب‌الله قرار دارد. برخی تحلیلگران بر این باورند که این تحرکات می‌تواند تلاشی برای منحرف کردن توجه از مذاکرات آتش‌بس یا اعمال فشار بر گروه‌های همسو با جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت باشد. در این میان، مسئله وحدت اسلامی و تقریب مذاهب به ویژه در شرایط کنونی، به عنوان یک ابزار استراتژیک برای مقابله با تهدیدات خارجی و داخلی باید مورد توجه قرار گیرد.

ایران، به عنوان یکی از بازیگران اصلی در سوریه و لبنان، در تلاش است تا از طریق حمایت‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی از دولت بشار اسد، علاوه بر جلوگیری از گسترش بحران، توازن قوا را به نفع محور مقاومت حفظ کند. محور مقاومت نه تنها به عنوان یک اتحاد نظامی، بلکه به عنوان یک پروژه فرهنگی و دینی که وحدت مسلمانان را در برابر تهدیدات خارجی تقویت می‌کند، اهمیت ویژه‌ای دارد. در این

راستا، ایران تلاش کرده است تا با تقویت پیوندهای دینی و فرهنگی میان گروه‌های مختلف مسلمان، به ویژه شیعه و سنی، از بروز اختلافات مذهبی و فرقه‌ای که می‌تواند به تضعیف مقاومت در منطقه منجر شود، جلوگیری کند. این رویکرد نه تنها می‌تواند امنیت منطقه را تقویت می‌کند، بلکه باید منجر به شکل‌گیری یک جبهه واحد اسلامی در برابر تهدیدات مشترک شود.

حضور ایران در سوریه و لبنان، به‌ویژه در برابر تهدیدات خارجی، نه تنها به‌عنوان یک حضور استراتژیک نظامی بلکه به‌عنوان بخشی از پروژه‌ای بلندمدت برای تقویت همبستگی اسلامی و مقابله با تفرقه‌افکنی‌های مذهبی و فرقه‌ای است. در این چارچوب، تقویت محور مقاومت و مقابله با نفوذ مخالفان این محور، از جمله ترکیه و اسرائیل که در هماهنگی با ایالات متحده و برخی کشورهای عربی عمل می‌کنند، باید با رویکردی مبتنی بر تقریب مذاهب و وحدت اسلامی پیش برده شود. بدین‌سان، ایران باید تلاش کند تا ضمن حفظ منافع خود، زمینه‌ساز گفت‌وگو میان مسلمانان در برابر تهدیدات خارجی و گروه‌های تکفیری باشد که تنها هدفشان تفرقه‌افکنی و تضعیف جبهه مقاومت است.

ترکیه، با سیاست‌های اخوانی خود و تلاش برای احیای نقش امپراتوری عثمانی، در تضاد مستقیم با نگاه محور مقاومت و به‌ویژه آرمان‌های اسلامی در منطقه قرار دارد. این سیاست‌ها که مبتنی بر فرقه‌گرایی و تضعیف محور مقاومت است، در کنار هماهنگی با اسرائیل و ایالات متحده، می‌تواند تهدیدات جدی برای وحدت مسلمانان ایجاد کند. در این راستا، ایران باید با تکیه بر دیپلماسی اسلامی و مذاکره میان کشورهای مسلمان، به‌ویژه در سطح منطقه‌ای، همبستگی بین‌المللی مسلمانان را تقویت کرده و از گسترش تفرقه و اختلافات مذهبی جلوگیری کند.

از آنجا که تهدیدات مذهبی و فرقه‌ای می‌تواند بر تحولات منطقه‌ای تأثیرگذار باشد، تلاش‌های دیپلماتیک ایران باید به‌گونه‌ای باشد که علاوه بر مدیریت بحران‌های امنیتی و سیاسی، به تقویت دیپلماسی اسلامی و وحدت میان مسلمانان پرداخته و فضای همگرایی برای مقابله با تهدیدات خارجی را ایجاد کند. در این راستا، ایران باید از تمرکز صرف بر مذاکرات پشت‌میزی فاصله گرفته و به رایزنی‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در صحنه میدان بپردازد. همچنین، تقویت دیپلماسی عمومی و اقدامات رسانه‌ای مؤثر می‌تواند فشارهای وارده بر محور مقاومت را کاهش دهد و جایگاه ایران را به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در تحولات منطقه‌ای تثبیت کند.

برای برون‌رفت از وضعیت کنونی و ایجاد ثبات، دو عامل اساسی حائز اهمیت است: نخست، تقویت دیپلماسی منطقه‌ای و دستیابی به توافق امنیتی جامع میان کشورهای منطقه برای کاهش تنش‌ها و ایجاد فضایی

برای گفتگو و همبستگی میان کشورهای مسلمان؛ دوم، همکاری سازنده میان قدرت‌های جهانی و بازیگران منطقه‌ای برای ایجاد یک ساختار امنیتی پایدار که در آن منافع اسلامی و منطقه‌ای در اولویت قرار گیرد. در این مسیر، هم‌افزایی میان قدرت‌های بزرگ، از جمله چین، و بازیگرانی چون ایران، می‌تواند راه‌حل‌های عملی برای کاهش بحران‌ها و تقویت نهادهای سیاسی در سوریه و لبنان فراهم آورد. دستیابی به این اهداف مستلزم دیپلماسی فعال‌تر ایران در سطح منطقه‌ای و جهانی است تا از تضعیف بیشتر محور مقاومت جلوگیری شود و توازن قوا به نفع صلح و ثبات منطقه‌ای و وحدت اسلامی حفظ گردد.

نویسنده : سید مهدی صالحی خوانساری